

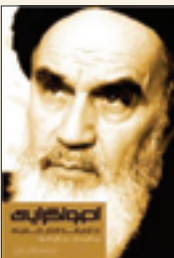
پیش‌خوان



نظر و گذری بر «اصولگرایی در اندیشه‌ام خمینی»

فراسوی تحزب و جناح‌بندی‌های سیاسی

■ **شاهد توحیدی**



اثری که هم‌اینک در معرفی آن سخن می‌زود، مفهوم «اصولگرایی در اندیشه سوی‌سازنده امام خمینی» را بازخواننده و شناسانده است.

این پژوهش از سوی مریم سالاری

و عباس کاکایی تدوین یافته و مرکز اسناد انقلاب اسلامی به انتشار آن اهتمام ورزیده است. تازنمای ناشر در معرفی این کتاب نکات ذیل را از نظر دور نداشته است: «انقلاب اسلامی ایران در مسیر تکاملی خود همواره موجد مفاهیم تازه‌ای است که نشان از بویایی آن دارد. مفهوم اصولگرایی هرچند در سال‌های اخیر به یکی از پارادایم‌های انقلاب اسلامی مبدل گشته در گذشته‌ای نه چندان دور با واژه‌هایی دیگری همراه بود. هم‌اکنون مفهوم اصولگرایی در ابعاد وسیع‌تری به ویژه در تضاد و تقابل با اندیشه لیبرال دموکراسی، فضاهای جهانی را جست‌وجو می‌کند. اصولگرایی نیز همانند سایر مفاهیم از مکتب امام‌خمینی ظهور کرد و خاستگاه آن انقلاب اسلامی است. اصولگرایی باز تولید ارزش‌های انقلابی و اسلامی در همه زمان‌هاست. انقلاب اسلامی در زیرین‌ترین لایه‌های خود، ریشه در نگرش گل‌گرایانه توحیدی امام‌خمینی دارد و در اندیشه توحیدی امام، یک نگاه سیستمی و یکپارچه به همه عالم از جمله دین و سیاست وجود دارد. در نتیجه ذات حرکت سیاسی و اجتماعی در اندیشه امام‌خمینی، توحیدی است و جهت‌دینی دارد. اصولگرایی رویکردی حداکثرگرایانه به دین است که در آن سعی می‌شود همه پدیده‌های اجتماعی و عرفی در کلیت دینی و توحید تعریف شوند و همه پدیده‌ها



۱۳۵۷. نوبل لوشوتا

در مسیر تربیت انسان ساماندهی می‌شوند. حتی واژه سیاست که تعریف مرسوم آن صرف اعمال قدرت از منظر جامعه‌شناسان سیاسی است، در رویکرد اصولگرایانه جهت اصلاحی و تربیتی به خود می‌گردد. از این منظر، هدف حکومت و سیاست تربیت انسان برای رسیدن به خدا و تقرب به اوست. هدف از تشکیل حکومت اسلامی سایر انقلاب‌ها-از گفتمان مخصوص به خود برخوردار است که آن راز دیگر حرکت‌های مشابه متمایز می‌سازد، بنابراین اصولگرایی در مکتب امام‌خمینی در واقع احیای اسلام ناب محمدی است که رکن اصلی آن توحید و رکن دوم آن وحدت مردم براساس محورت توحید و رکن سوم آن، رهبری فقیه جامع‌الشرایط در عصر غیبت امام‌مصوم(ع) است. عناصر و مؤلفه‌های چنین دیدگاهی به‌طور مفصل در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ظهور و بروز یافته است که در واقع محصول مبارزات طولانی مردم ایران به رهبری امام‌خمینی و اسقاط رژیم‌سلطنتی پهلوی به شمار می‌رود. به این ترتیب اصولگرایی در واقع ظهور ماهیت انقلاب اسلامی و مکتب امام‌خمینی است و به یک حزب یا جناح سیاسی خاصی منحصر نمی‌شود و به همین دلیل دارای ویژگی‌های مشخص است که محوریت آن حاکمیت اسلام ناب محمدی(ص) و مبارزه با طاغوت‌های داخلی و استکبار جهانی می‌باشد…»

این کتاب در بخشی از خود، در باب مفهوم استقلال سیاسی در مکتب امام‌خمینی آورده است: «به‌نظر حضرت امام منظور از استقلال سیاسی، اراده آزاد تصمیم‌گیری ملت برای تعیین سرنوشت خود و عدم سلطه یا دخالت اجانب در سرنوشت مردم ایران بود. از مصادیق این استقلال می‌توان به مبارزه و ایستادگی ملت در برابر قدرت‌های زمان و وابستگی خارج و داخل آنها و عدم اتکا به یکی از قطب‌های شرق و غرب و پیمودن صراط مستقیم اشاره کرد…».

■ **نیما احمدپور**

سالروز ار تسال حضرت امام خمینی رهبر کبیر انقلاب اسلامی، مصادف شده است با روزهای سوگ مردم به مناسبت شهادت رئیس‌جمهور محبوب و مردمی آیت‌الله دکتر سیدابراهیم رئیسی. هم از این روی خوانش روایت و درایت سلسله‌جنبان انقلاب، در باب خدمت و شهادت کارگزاران نظام اسلامی به هنگام می‌نماید. امید آنکه تاریخ‌پژوهان و عموم علاقه‌مندان را مفید و مقبول آید.

■ ■ ■

■ **ممکن است همین حالا یک بمبی در اینجا منفجر بشود و فاتحه همه را بخواند**

سرگذشت شهید محمدعلی رجایی، نخست‌وزیر شهبید دکتر محمد جواد باهنر و برخی وزرایش از منظر امام‌خمینی را می‌توان ملاک مناسبی برای ارزیابی آغاز و انجام مسئولان نظام اسلامی از منظر آن بزرگ قلمداد کرد. سخن در این باره را با بیانات رهبر کبیر انقلاب اسلامی در مراسم تنفید حکم ریاست جمهوری شهید رجایی در ۱۱ مرداد ۶۰ و توصیه‌های ایشان به منتخب جمهو راغز می‌کنیم: «امروز باید همانظوری که در سابق به رئیس‌جمهور سابق بعضی مطالب را تذکر دادم، به آقای رجایی هم تذکراتی بدهم که قضیه مقام و ریاست برود باشد. این وقتی که نظر انسان یک نظر محدود دنیایی باشد، این مقامات انسان را از خودش بیخود می‌کند اینها را مقام می‌داند. شما حساب کنید این مسایله‌ای که ما در آن زندگی می‌کنیم به اسم زمین، در مقابل منظومه شمسی چقدر است و این منظومه شمسی که ما یکی از سیارات کوچکش را در آن زندگی می‌کنیم، در مقابل کهکشان چقدر است و این کهکشان‌هایی که تاکنون کشف شده است، گفته می‌شود آنقدری که از ستاره‌های نورانی کشف شده است به مقدار ۶میلیارد سال نوری است، یعنی اگر نور آن ستاره‌ای که در آخر است، بخواد بیاید



انقلاب اسلامی با ایجاد فرهنگی نوین، بسا سازه‌های رفتاری پیش از خود را منسوخ کرد. یکی از شاخص‌ترین این موارد، نوع ارتباط میان مردم و مسئولان است. خلاق در ۴۵ سال اخیر و به محض دریافت خبر شهادت یارحلت خادمان خویش، همواره خیابان‌ها را از حضور خویش لبریز ساخته و به عزاداری پرداخته‌اند. این رویکرد تا هم‌اینک در هیچ نقطه‌ای از جهان به فرهنگ مبدل نشده است

تاریخ

تاریخ ۶۰۴۰۲۲۸۵۳



جستارهایی در رویکردامام خمینی

به خدمت و شهادت کارگزاران نظام اسلامی

مردم در حال عزاداری هستند

در خارج می‌گویند آنها شادی می‌کنند!

به پیش ما ۶ میلیارد سال نوری طول می‌کشد و آن چیزی که ماورای اینهاست و باز کشف شده است، حتماً بدانید که پیش از این معانی است. اینها هم در مقابل عظمت خالق ناچیزند، ما باید چقدر ضعیف باشیم که در این ذره‌ای که خودش و آن منظومه‌ای که این یکی از ستاره‌های کوچکش است، اصلاً به حساب نمی‌آید و اگر گم بشود، نمی‌تواند پیدایش بکنند در این غایت بزرگ عالم. ما چقدر از این سیاره در اختیارمان است؟ یک ایران، ایران یک قطعه کوچکی است در مقابل این سیاره و حکومت ایران هم یک حکومت ناچیز کوچکی است در این سیاره و سیاره ما هم یک چیز کوچکی است در مقابل منظومه شمسی و منظومه شمسی ما هم یک چیز بسیار کوچکی است در مقابل منظومه‌های دیگر و همه آنها از خداست و خالق او خداست. ما اگر زندگی خدا را بپذیریم و قلب ما منور بشود به نور بندگی خدا و عبودیت، این امر ناچیزی که به حساب در عالم نمی‌آید، در ما تأثیر نباید بکند. شما دیروز نخست‌وزیر بودید، پرروز وزیر بودید، قبل از او معلم بودید، قبل از او هم یک شاگردی بودید و بعد از این هم معلوم نیست چه موقع از اینجا بویید. ممکن است – خدای‌خواسته –همین حالا که بیرون رفتید یا همین حالا یک بمبی اینجا باز منفجر شود و فاتحه همه را بخواند. وقتی مطلب این است، چرا باید انسان قبل از ریاست‌جمهور و بعدش فرق بکند؟ مگر ریاست‌جمهور چه است؟ کسی که دلش به نور توحید روشن است، مگر عالم چه است؟ همه عالم چه است؟ همه عالم در مقابل عظمت خدای تبارک و تعالی چیزی نیست. تمام این عالم مادی در مقابل عالم‌های معنوی که است، قدر محسوسی ندارد. آن وقت ما برای یک کدخدای ۱۰ یا یک کدخدای شهر، یا کدخدای یک کشور خیال بکنیم که خیر، ما الاآن یک چیزی هستیم و دیگران به نظر مان کوچک بیایند و خودمان را بزرگ. اگر شما ملاحظه کردید در نفس خودتان که غیر از خدا از او کسی اطلاع ندارد و

خودتان هم تا یک حدودی اطلاع دارید، اگر دیدید این مقامی که خدای تبارک و تعالی، مردم دلشان را متوجه کرده است به شما و به شما رأی داده‌اند، این مقام شما را محکوم خودش می‌کند و شما مرکوب او و او را کب شمامت، بروید خودتان را تصفه کنید و بدانید این را که با دست خودتان – خدای‌خواسته – خودتان را در دنیا و آخرت تباه نکنید.»
گرفتاری‌هایی که این است برای رهبری
برای رجایی و باهنر نوین
در ۹ شهریور ۱۳۶۰، خیل سوگواران رئیس‌جمهور شهید رجایی و نخست‌وزیر شهید باهنر، در حسینیه جماران با امام‌خمینی دیدار کردند. در این دیدار رهبر کبیر انقلاب اسلامی که نگاه آرامش‌جامه و مردم‌بود، آنان را اینگونه آسوده خاطر و به آینده امیدوار ساخت:

«ملتی که از اول، از صدر اسلام و پیشوایان آن بن خدوشان از یاد کردند برای هدف خودشان که آن خدا و اسلام است، به این مسائل و به این امور از بین نخواهند رفت و سستی نخواهند داشت. ملت ما، ملت عزیز ما در تاریخ خوانده است که علی‌بن‌ابیطالب (س)، با دست یکی از همین منافقین با دست یکی از همین اشخاصی که به صورت اسلام، اما[ی از اسلام جدا بودند، فرق مبارکش شکافت. ملت ما چون علی‌بن‌ابیطالب را فدا کرده است برای اسلام، فداکردن امثال این شهیدا برای ملت ما تک مسئله مهم نیست، گرچه خود واقعه و خود این افرادی که شهید شده‌اند در نظر همه ما عزیز و ارجمندند و آقای رجایی و باهنر هر دو شهیدی هستند که با هم در جبهه‌های نبرد با قدرت‌های فاسد هم‌جنگ و هم‌رزم بودند. مرحوم شهید رجایی به من گفتند که من ۲۰ سال است با آقای باهنر همراه بسودام و خاوند خواست که با هم از دنیا هجرت و به سوی او هجرت کنند. کسی که هجرت را به سوی خدا و شهادت را فوز عظیم می‌داند و شهدایی که در صدر اسلام و از صدر اسلام تاکنون داده است، عالی‌تر و بالاتر از تمام



حرم حضرت معصومه(س) نشانی از تشیع رنگر شهید آیت‌الله سیدابراهیم رئیسی

افرادی هستند که در این قرن موجودند. مثل علی‌بن‌ابیطالب (س) و حسن‌بن‌علی (س) و حسین‌بن‌علی و اصحاب او (س) و سایر ائمه (ع)، آنها همه عمر خودشان را صرف کردند تا اسلام را حفظ کنند و ما هم تمام عمرمان را باید صرف کنیم تا اسلام را که به دست ما سپرده شده است، حفظ کنیم. من در عین حال که شهادت این دو بزرگوار برای من بسیار مشکل است، در عین حال می‌دانم که آنها به رفیق‌اعلی گرفتاری‌هایی که الان برای ماست، دیگر برای آنها نیست و آنها رسیدند به مطلوب خودشان و از این جهت به آنها و به خانواده‌های آنها و ملت اسلامی تبریک عرض می‌کنم که چنین شهدایی تقدیم می‌کنند. در عین حالی که مصائب اینها مشکل است برای ما، اما کشور ما و ملت ما با تمام قدرت ایستاده‌اند تا همچو شهدایی تقدیم کنند و هیچ راه عقب نشینی ندارند و به سستی فکر نمی‌کنند. آن کوردلانی که گمان کرده‌اند که جمهوری اسلامی با نبود چند نفر از بین خواهد رفت و سقوط خواهد کرد، آنها افکارشان، افکار اسلامی نیست و از اسلام خبری ندارند، از ایمان اطلاعی ندارند و افکارشان، افکار مادی است[و برای دنیا کار می‌کنند و به هوای دنیا هستند.»

■ **منزل شهید رجایی کوچک‌تر از آن است که قیلم‌ها نشان می‌دهد**

یک سال از شهادت رجایی و باهنر می‌گذرد و هیئت دولت وقت به این مناسبت، در روز ۷ شهریور ۶۱ با امام‌خمینی ملاقات دارند. رهبر انقلاب در این دیدار، سخن را به ساده‌بستگی شهید محمدعلی رجایی سوق دادند و آن را با علاقه مردم به وی، دارای علاقه مستقیم دانستند:

«من فیلمی که دیشب از مرحوم رجایی گذاشته بودند و منزلی را نشان می‌دادند – یک دفعه دیگر هم مثل اینکه دیدم این را – بعضی از اشخاصی که پیش من بودند، می‌گفتند ما رقتیم منزل آقای رجایی، این خوب نشان می‌داد، آنجا به این اندازه نیست، واقع مطلب اینطور نیست. این یک چیز بزرگی کانه نشان دارد می‌دهد و حال آنکه ما رقتیم منزلشان دیدیم مسئله اینطور هم نیست. وقتی بنا شد که یک نفر رئیس‌جمهور شده یا یک نفر نخست‌وزیر است، آقا منزلی آنظوری است و وضع عادی‌اش اینظوری، این دیگر نمی‌شود که از یک قدرت بزرگی بترسد. برای چه بترسد؟ این را که از او نمی‌گیرند. آن باید بترسد که می‌خواهد چپاول کند و می‌خواهد یک حکومت کدایی بکند، آن باید بترسد. اما رجایی – خدا رحمتش کند – و امثال آنها و باهنر و اینهایی که ما از دست دادیم، اینطور نبودند که زندگی‌شان جوری باشد که مبادا یک وقتی از دست ما برود، خاضع بشوند پیش دیگران و برای اینکه زندگی را بیشترش بکنند زور گویی کنند به مردم. این یک عنایتی است که خدای تبارک و تعالی به این ملت کرد و از خود مردم از خود این دودها از بازار – نمی‌دانم – از کوچه‌ها و خانه‌ها، افراد منتبعت شدند و حکومت تشکیل دادند. وقتی از بازار مردم حکومت را تشکیل دادند، می‌دانند که بازار روضش چه جوری است. وقتی از بین خود مردمی که مرفه نیستند، اینها آمدند و خودشان هم‌نظیر آنها هستند، اینها به درد دل مردم می‌توانند برسند…»

■ **کنور ما نه به اشخاصی که به خدا دل بسته است**

از منظر امام خمینی یکی از تفاوت‌ها میان مسئولان رژیم گذشته و کارگزاران جمهوری اسلامی، واکنش جامعه و مردم به هنگام محو آنهاست. پیش از انقلاب و به هنگام سلطنت شاهان و صدارت دوله‌ها و سلطنه‌ها، مردم به مرگ آنها واکنشی جز شادی و مسرت نداشتند پس از برقراری نظام اسلامی، معادله معکوس و حضور میلیونی مردم در تشییع مسئولان و خدمتگزاران، به سنتی رایج و طبیعی مبدل شد.

این امر در دیدار ۹ شهریور ۱۳۶۰، اینگونه مورد تصریح رهبر انقلاب قرار گرفت:

«الان سرتاسر کشور ما را اگر چنانچه ملاحظه کنید، تهران بسا آن جمعیت کثیری که الاآن رجایی و باهنر هر دو شهیدی هستند که با هم در شهرها ما هم مثل تهران، ما بین این جمهوری و جمهوری‌های عالم و ما بین این دولت و دولت‌های سابق این کشور، می‌توانید مقایسه‌آ کنید که چه فرق هاست؟ اگر صدر اعظمی در زمان سابق کشته می‌شد، امکان نداشت که مردم، توده مردم، بازار مردم هیچ عکس‌العملی از خود نشان بدهند، الا سرور، الا مسرت. امروز که دو نفر شهید معظم از ما رفته است، سرتاسر کشور ما به عزان نشسته است و سرتاسر کشور ما انسجام خودش را حفظ می‌کند و حفظ کرده است و فردا که اعلام می‌کنند برای انتخاب رئیس‌جمهور همه این مردم برای انتخاب حاضرند. من می‌دانم که در خارج الان عنصرهایی که با این جمهوری اسلامی، بلکه با اسلام مخالف هستند و بوق‌های خارج و تبلیغاتی خواهند گفت این دو نفر که شهید شدند، ایران به هم می‌خورد و خواهند گفت که در عزای اینها، مردم بی‌تفاوت یا خوشحال بودند. آنها با اینکه می‌دانند، کوردلانه اینطور انتشارات و تبلیغات را انجام می‌دهند، الا آن بیبیند که سرتاسر کشور ما امروز در سوگ هستند و در همه خیابان‌ها و کوچه‌ها و بازارها در سوگ نشسته‌اند. الا آن که به من اطلاع دادند، گفتند امروز در اطراف دانشگاه جمعیت بیشتر

۹ جوان

روزنامه جوان | شماره ۷۰۴۳

از آن وقتی است، که ۷۲تن شهید شدند. ملت ما اینطور است. اگر بعد از این هم – خدای نخواستہ – اشخاصی شهید بشوند، ملت ما همین ملت است و نهضت ما همین نهضت. عمده این است کاری که برای خداست، نه برای افراد، نه برای اشخاص، نه برای شخصیت‌ها، این کار رکود نمی‌کند با رفتن افراد و با رفتن شخصیت‌ها. کشوری از رفتن شخصیت‌های خود تزلزل پیدا می‌کند که ملت او و افراد آن ملت دل به شخص بسته باشند، دل به اشخاص بسته باشند، اما کشوری که دل او به خدا پیوسته است و برای خدا قیام کرده و از اول، نه شرقی و نه غربی و جمهوری اسلامی را ندا داده است و با بانگ الله اکبر، صغیر و کبیر و زن و مردش در صحنه حاضر شده‌اند و این نهضت را و این انقلاب را به پا کرده‌اند، همین ملت هستند، برای اینکه خدا هست. رجایی و دیگران اگر نیستند، خدا هست…»

■ **برای اسلام، برای حیثیت خودتان این پاره‌هنه‌ها را نگه دارید**

و سرتانجام امام راحل ضمن توصیف حیات و ممات متفاوت کارگزاران نظام اسلامی، آنان را به حفظ اعتماد عمومی و علاقه‌بدنه محروم و مستضعف ملت ایران توصیه می‌کند و آن را عامل تمام حیات جمهوری اسلامی می‌دانند.

در سخنرانی تاریخی ۷ شهریور ۶۱ آمده است: «برای خدا، برای اسلام، برای حیثیت خودتان، برای حیثیت کشورتان، باید این سر و پاره‌هنه‌ها را نگه‌شاید دارد. اینهایی که بعد از همین که هر شهیدی شما پیدا می‌کنید، آنطور برایش تظاهرات می‌کنند، آنطور برایش – عرض بکنم – به سر و سینه خودشان می‌زند که می‌بینید نشان می‌دهند. یک همچو ملتی را باید با همین وضع نگه داشت و این به دست امثال شمامت، که اینطور باقی بماند. اگر یک وقت سر خورده بشوند از دولت و خیال کنند که دولت دارد برای خودش یک کارهایی انجام می‌دهد و برای ما نیست و چطور آن وقت است که شما هر کدامتان – خدای‌نخواستہ – از بین بروید، یک بعد از شهادت هم – اگر نصیبتان شد – مردم با شما اینچور باشند. پیش‌خدا این ارزش دارد. وقتی خدای تبارک و تعالی دید که یک جمعیتی ایستاده‌اند و فریاد می‌زنند، توی سرشان می‌زند که رجایی چه، خدا به رجایی رحم خواهد کرد. اگر – خدای‌نخواستہ – هم آن یک اشکالاتی در آن باشد، به همین خدا رحم می‌کند. خود مومن، ۴۰ تا مؤمن شهادت می‌دهند به خوبی یک کسی، خدا قبول می‌کند این را برای اینکه یک آدمی است که ۴۰ نفر مؤمن این را به خوبی شناخته‌اند، وقتی به خوبی شناختند، خداوند عفو می‌کند. فرضاً از اینکه یک جمعیت‌هایی اینظوری برزند در خیابان و آنطور به به سر و سینه‌شان بزنند، برای آنها. ارزش آقای رجایی، ارزش آقای باهنر، ارزش آقای بهشتی و ارزش این ائمه جمعه معلوم ما به این نبود که یک – مثلاً – دستگای دانه، ارزش‌شان به این بود که خودی بودند، با مردم بودند، برای مردم خدمت می‌کردند، مردم احساس کرده بودند که اینها برای آنها دارند خدمت می‌کنند ولها آن همه تبلیغاتی باشد. من همین‌جا به مردم روض محرم بهشتی – به خصوص – آنقدر کارها کردند و نسبت به مرحوم رجایی هم آن آدم فاسد آنقدر پافشاری و اذیت کرد، مردم اعتنایی هیچ او نکردند و همانطور با آنها رفتار کردند. مردم همانطور آن تلافی‌هایی که در آن وقت سر آن مظلوم در آمد، مردم درست کردند، بعد از فوت ایشان آنطور کردند. همه شما باید وضعتان که همچو وضعی باشد. من امیدوارم که همه این وضع را توجه به آن بکنید و حفظش بکنید. بخواید اسلام حفظ بشود، این وضع را باید حفظ بکنید، بخواید که ایران حفظ بشود، همین را باید حفظ کنید، بخواید خودتان محفوظ بمانید، همین را باید حفظ کنید…»

■ **کلام آخر**

انقلاب اسلامی با ایجاد فرهنگی نوین، بسا سازه‌های رفتاری پیش از خود را منسوخ کرد. یکی از شاخص‌ترین این موارد، نوع ارتباط میان مردم و مسئولان است. خلاق در ۴۵ سال اخیر و به محض دریافت خبر شهادت را رحلت خادمان خویش، همواره خیابان‌ها را از حضور خویش لبریز ساخته و به عزاداری پرداخته‌اند. این رویکرد تا هم‌اینک در هیچ نقطه‌ای از جهان به فرهنگ مبدل نشده است. از سوی دیگر به نظر می‌رسد که منطبق دینی جمهوری اسلامی در جهانی که مبتنی بر اندیشه مادی است، هنوز مفهوم نبوده است. چنانکه این امر در سخنرانی ۹ شهریور بنیانگذار جمهوری اسلامی مورد اشاره قرار گرفته است:

«منطق ملت ما، منطق مؤمنین، منطبق قرآن است، اینالله و آتالیها را چگون. با این منطق، هیچ قدرتی نمی‌تواند مقابله کند. جمعیتی ملتی که خود را از خدا می‌داندند و همه چیز خود را از خدا می‌دانند و رفتن از اینجا را به سوی محبوب خود، مقابله کنند. آنکه شهادت را در آغوش، همچون مطلوب خود می‌دانند، با این ملت نمی‌توانند مقابله کنند. آنکه شهادت را در آغوش، همچون عزیزی می‌پذیرد، آن کوردلان نمی‌توانند با او مقابله کنند. اینها یک اشتباه دارند و آن اینکه شناخت از اسلام و شناخت از ایمان و شناخت از ملت اسلامی ما ندارند. آنها گمان می‌کنند که با ترور شخصیت‌ها و ترور اشخاص می‌توانند با این ملت مقابله کنند و ندیدند و کور بودند که ببینند که در هر موقعی که ما شهید دادیم، ملت ما منسج‌تر شد …»